

حقوق کارگری، مزیت نسبی صنایع کارگربر را «دست کاری» می کند

اشاره:

بحث شکست اجلاس سیاتل در تنظیم و تدوین دستور کاری برای برگزاری دور آینده مذاکرات چندجانبه از مهمترین مباحثی است که در کشورهای درحال توسعه و پیشرفته دنبال می شود. شکست نشست سیاتل از یک سو اختلافات عمیق و ریشه‌های میان کشورهای مختلف بر سر نحوه اجرای موافقتنامه‌های دور از گونه و کاستن‌های ناسانی از اجزای ناکم این موافقتنامه‌ها را نشان داد و از سوی دیگر مشارکت فعال کشورهای درگیر به ویژه کشورهای درحال توسعه در مباحث طراحی نظام تجارت جهانی را به وضوح هویدا ساخت. این امر از پدیده‌های نوینی است که تا دو دهه پیش کمتر مشاهده می شد و کشورهای درحال توسعه مشارکت ناچیزی در تدوین سیاست‌های تجارت بین الملل داشتند.

دبیرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت و گو با آگاسی دکتر جلال الدین جلالی پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مباحث مطروحه در اجلاس سیاتل، مواضع کشورهای درحال توسعه، مباحث جدیدی که در سیاتل طرح شد و نیز مزایا و مضار ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت را جویا شد. ماحصل این گفت و گو را با هم می خوانیم.

■ سازمان جهانی تجارت چه نوع تشکیلاتی است، آیا در آن به کشورهای در حال توسعه اجحاف می شود.

□ سازمان جهانی تجارت محلی برای بحث در زمینه تجارت بین الملل میان کشورهای مختلف جهان است. تجارتی که در سطح جهان انجام می شود، به یک سری مقررات نیاز دارد که بر آن حاکم باشد. از این رو سازمان جهانی تجارت مجمعی است که در آن تصمیمات لازم در زمینه تجارت بین الملل اتخاذ می شود.

به طور خلاصه سازمان جهانی تجارت باشگاهی از کشورهای مختلف

است که عضویت در آن اجباری نیست، بلکه کشورها فرآیندی را می گذرانند تا در آن عضو شوند.

بنابراین در این سازمان اجحاف به ویژه به کشورهای درحال توسعه وجود ندارد، بلکه آنها به میل خود به عضویت آن در می آیند. البته در سازمان جهانی تجارت برخی کشورها قوی تر از دیگران هستند و در نتیجه بهتر می توانند اهداف و مقاصد خود را پیش ببرند، به دیگر سخن در سازمان جهانی تجارت آن کشوری که بهتر کار کند، بیشتر سود می برد. در نتیجه این برداشت که سازمان جهانی تجارت تأسیس شده است تا یک گروه به گروه دیگری اجحاف کند، اصلاً صحیح

نیست.

■ مواضع کشورهای درحال توسعه در اجلاس سیاتل چه بود؟

□ اجلاس سیاتل در راستای نشست‌های وزرای بازرگانی کشورهای عضو که طبق مقررات سازمان جهانی تجارت هر دو سال یک بار برگزار می شود، تشکیل شد و در آن وزرای تجارت ۱۳۵ کشور عضو این سازمان حضور داشتند.

اجلاس وزیران، مهمترین رکن تصمیم‌گیری در درون سازمان جهانی تجارت محسوب می شود که سیاست‌های اصلی در آن تعیین و سپس به کارشناسان در ژنو ارجاع می شود. تصمیمات

عمده‌ای چون برگزاری دور جدید مذاکرات، حتماً باید در اجلاس وزرا تأیید شود.

در دو اجلاس قبلی سازمان جهانی تجارت یعنی اجلاس سال ۱۹۹۶ سنگاپور و ۱۹۹۸ ژنو، مباحثی عنوان شد که می‌بایستی در اجلاس سیاتل دنبال می‌شد. در پایان دور اروگوئه در سال ۱۹۹۵ نیز پیش‌بینی شده بود که در ژانویه ۲۰۰۰ یک سری مذاکرات در زمینه‌های تجارت کشاورزی و خدمات آغاز شود. بنابراین در اجلاس وزرا در سیاتل قرار بود مذاکراتی در زمینه برنامه‌ریزی‌هایی برای گفت‌وگو درباره تجارت محصولات کشاورزی و خدمات صورت گیرد. در اجلاس سنگاپور و ژنو نیز مقرر شد که آیا بحث‌های جدیدی درباره مسایل گوناگون از جمله سرمایه‌گذاری خارجی و مقرراتی که حاکم بر رقابت بین کشورها و شرکت‌های مختلف وجود دارد و نیز رابطه بین تجارت و محیط زیست، رابطه بین تجارت و استانداردهای کاری و کارگری باید در سازمان جهانی تجارت مورد بحث و بررسی قرار گیرد یا خیر؟

در اجلاس سیاتل که اجلاس وزرا بود، بر اساس برنامه می‌بایستی درباره دستور کار مذاکرات آینده تصمیم‌گیری می‌شد.

در اجلاس سیاتل قرار بود محدوده کارها از تجارت محصولات کشاورزی و خدمات فراتر رود و روی مباحث و امور دیگر بحث و بررسی شود. در نهایت این اجلاس توانست نسبت به تهیه دستور کاری برای برگزاری دور جدید مذاکرات تصمیم‌گیری کند. در این اجلاس کشورهای درحال توسعه از کشورهای پیشرفته گله داشتند که تعهدات خود را در قبال کشورهای درحال توسعه انجام نداده‌اند. کشورهای درحال توسعه می‌خواستند تعهداتی که کشورهای

پیشرفته در مذاکرات دور اروگوئه نسبت به کشورهای درحال توسعه پذیرفته بودند، در دستور کار دور بعدی مذاکرات بیاید.

از آنجا که هنوز معلوم نیست که دور بعدی مذاکرات چه زمانی برگزار می‌شود، این موضوع به نتیجه نرسیده است.

■ عمده‌ترین تعهدات کشورهای پیشرفته در مقابل کشورهای توسعه‌یافته چه بود؟

□ کشورهای پیشرفته برای کشورهای درحال توسعه بر اساس موافقتنامه منسوجات، سقف صادرات پارچه و منسوجات قرار داده‌اند. این کشورها برای صادرات هر یک از کشورهای در حال توسعه میزان معینی پارچه و پوشاک آماده تعیین کرده‌اند و آن میزان بر اساس یک موافقتنامه سالانه حدود ۳ درصد افزایش می‌یابد. این در حالی است که محصولات صنعت نساجی و پارچه کشورهای درحال توسعه به دلیل کارگر ارزان، جزو محصولات اصلی صادراتی محسوب می‌شود.

کشورهای درحال توسعه زمانی که می‌خواهند تجارت خود را با کشورهای دیگر بسط و توسعه دهند، لباس و منسوجات را صادر می‌کنند.

هند، بنگلادش، پاکستان، تایوان و چین جزو کشورهایی هستند که در زمینه منسوجات و لباس مزیت نسبی دارند، به طوری که مثلاً در بازار آمریکا اکنون کارخانه‌های دوزندگی و پارچه‌بافی وجود ندارد و تمامی لباس‌ها و پارچه‌های مصرفی مردم وارد می‌شود.

کشورهای فقیری چون بنگلادش درصد هستند که منسوجات بیشتری به کشورهای پیشرفته صادر کنند، اما کشورهای پیشرفته با توجه به موافقتنامه منسوجات جلوی رشد صادرات این کشور را می‌گیرد.

در موافقتنامه دور اروگوئه تصمیم بر آن شد که تا سال ۲۰۰۵ یعنی ظرف ده سال محدودیت صادرات منسوجات کشورهای درحال توسعه به تدریج برداشته شود، اما تا امروز که پنج سال از این موافقتنامه گذشته است، هنوز هیچ‌گونه تغییر و تحولی در محدودیت‌ها به وجود نیامده است. البته کشورهای پیشرفته در زمینه رفع محدودیت‌ها ۱۰ سال فرصت دارند، اما انتظار این بود که لااقل نیمی از این محدودیت‌ها طی پنج سال گذشته برداشته شود. کشورهای درحال توسعه به کشورهای پیشرفته اعتراض دارند که چرا این محدودیت‌ها را رفع نمی‌کنند. در مذاکرات دور اروگوئه در زمینه حقوق مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری خارجی نیز کشورهای درحال توسعه تعهد دارند که مواردی را رعایت کنند و حق مالکیت معنوی کشورهای پیشرفته را محترم شمارند.

سازمان جهانی تجارت می‌گوید، کشورهای عضو این سازمان باید حقوق مالکیت معنوی یکدیگر را محترم بشمارند، مثلاً چین حق ندارد CD آمریکایی را تقلید و مشابه‌سازی کند و بفروشد.

کشورهای درحال توسعه در اجلاس دور اروگوئه یک سری تعهداتی را پذیرفتند که اجرای آن برای آنها مشکل است و کشورهای پیشرفته نیز معتقدند که کشورهای درحال توسعه تعهدات خود را در زمینه رعایت حقوق مالکیت معنوی انجام نداده‌اند و در مقابل کشورهای در حال توسعه برای رعایت این حقوق از کشورهای پیشرفته زمان بیشتری درخواست می‌کنند و تقاضای کمک‌های فنی دارند.

به‌طور کلی کشورهای درحال توسعه در اجلاس سیاتل پیشنهاد داشتند که کشورهای پیشرفته سقف و محدودیت صادرات منسوجات را بردارند و در

ضمن، معتقد بودند که در اجلاس اروگوئه برای محترم شمردن حقوق مالکیت معنوی به آنها اجحاف شده است.

■ دلیل اصلی شکست مذاکرات سیاتل چه بود؟

۱۱ به نظر من موضوع اصلی که منجر به شکست این مذاکرات شد، اختلاف بین اروپا و آمریکا بر سر مباحث کشاورزی بود. در اروپا، ژاپن و کره از بخش کشاورزی حمایت زیادی می‌شود و یارانه‌های مختلفی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالاهای کشاورزی تعلق می‌گیرد. در نتیجه سهم صادرات این کشورها در بازارهای جهانی بیش از اندازه است.

کشورهای درحال توسعه و آمریکا که صادرکننده محصولات کشاورزی هستند، اصرار دارند اروپا از حمایت کشاورزان دست بردارد، طوری که به امر کشاورزی مانند کالاهای صنعتی نگرسته شود.

در مذاکرات سیاتل ژاپن، کره و کشورهای اتحادیه اروپا یک سوی قضیه بودند و آمریکا و کشورهای گروه «کرنز» شامل استرالیا، نیوزیلند، کانادا و تعدادی کشورهای درحال توسعه در جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین که صادرکنندگان اصلی گندم، برنج و جو هستند، سوی دیگر قضیه بودند.

در اجلاس سیاتل، اتحادیه اروپا قبول نکرد که به سرعت حمایت خود را از بخش کشاورزی بردارد، زیرا تبعات سیاسی و اجتماعی زیادی برای آن کشورها دارد. این موضوع منجر به شکست اجلاس سیاتل شد. البته اگر به لحاظ این قضیه مذاکرات به شکست نمی‌انجامید، مواردی چون پیاده کردن موافقتنامه‌های قبلی، مذاکرات را با شکست مواجه می‌ساخت.

مقررات رقابت مکارانه «دامپینگ» نیز از موضوع‌هایی بود که در این مذاکرات خیلی مطرح شد. در سال‌های اخیر کشورهای اتحادیه اروپا هر زمان که

دیدند یک کالا به صورت ارزان وارد بازار آنها می‌شود و تولیدات آنها را به مخاطره می‌اندازد، با عنوان کردن موضوع دامپینگ جلوی واردات آن کالا را می‌گرفتند و در حقیقت خلاف روح مقررات و قوانین، از این موضوع استفاده می‌کردند.

در اجلاس سیاتل کشورهای درحال توسعه می‌خواستند در زمینه مقررات مربوط به دامپینگ نیز تجدیدنظر شود که آمریکا با این خواسته مخالفت کرد.

■ به نظر می‌رسد کشورهای پیشرفته درصدد از بین بردن مزیت‌های نسبی کشورهای درحال توسعه هستند. نظرتان چیست؟

□ در مذاکرات تجاری اصولاً هر طرف سعی بر آن دارد که سود خود را بیشتر کند. تجارت در بین اعضاء سازمان جهانی تجارت بر اساس مقررات قانونی صورت می‌گیرد. هر فعالیت تجاری درست یا غلط، ابتدا می‌بایست در چارچوب قانون قرار گیرد.

تصور می‌کنم کشورهای پیشرفته نمی‌توانند مزیت‌های نسبی کشورهای در حال توسعه را در چارچوب سازمان جهانی تجارت نادیده بگیرند.

اصولاً مزیت نسبی را هر کشوری در دست دارد، البته باید دید در چه رشته‌ای این مزیت نسبی وجود دارد و آن کشور در رشته‌ای که مزیت نسبی دارد، وارد فعالیت شود. در این صورت یک کشور پیشرفته به هیچ وجه نمی‌تواند با وضع قوانین در قالب سازمان جهانی تجارت مزیت نسبی کشور در حال توسعه را از بین ببرد.

■ پس چرا کشورهای پیشرفته در سازمان جهانی تجارت قوانینی مبنی بر عدم به‌کارگیری نیروی کار پایین‌تر از ۱۵ سال را برای کشورهای درحال توسعه مطرح می‌کنند؟

۱۱ ظاهر قضیه این است که کشورهای پیشرفته به «حقوق بشر» بیش از

کشورهای درحال توسعه اعتقاد دارند. آنها اکثر مباحث خود را با طرح موضوع «حقوق بشر» پیش برده‌اند و هنوز این سیاست را دنبال می‌کنند. اما در فعالیت‌های اقتصادی، بیشترین اعمال نظری که می‌توانند بکنند، آن است که مزیت نسبی کشورها را دست‌کاری کنند. برای مثال اگر کشورهای پیشرفته بتوانند هند را وادار سازند که از نیروی کار کودکان استفاده نکند، دستمزدها در هند بالا می‌رود و مزیت نسبی در تولید و تجارت کالاهای کارگربر کمتر می‌شود، اما مزیت نسبی هند در بخش‌های دیگر بالا می‌رود. با این توضیح، می‌توان گفت مزیت نسبی را نمی‌توان از کشورهای درحال توسعه گرفت، بلکه فقط می‌توان آن را «دست‌کاری» کرد و این یک معادله ریاضی است.

در مورد مصنوعات کارگربر اگر در بازار آمریکا دستمزد نیروی کار بخش مهمی از قیمت تمام شده را تشکیل دهد و اتحادیه‌های کارگری در این بخش قوی باشند و احساس کنند که از ناحیه واردات مصنوعات مشابه مورد تهدید قرار می‌گیرند، ممکن است آنها دولت آمریکا را وادارند که قوانین کارگری را مثلاً بر همه تحمیل کند. در این صورت با افزایش مزد کارگر در هند، صدور مصنوعات آن به بازار آمریکا به لحاظ افزایش قیمت تمام شده، کاهش می‌یابد. در نهایت می‌توان گفت که در چارچوب قوانین سازمان جهانی تجارت، کشورهای پیشرفته تا حدودی می‌توانند مزیت نسبی برخی تولیدات کشورهای در حال توسعه را «دست‌کاری» کنند، اما به‌طور کلی نمی‌توانند مزیت‌های نسبی این کشورها را از بین ببرند.

■ آیا اصولاً کشورهای پیشرفته در سازمان جهانی تجارت می‌توانند اعمال نفوذ کنند؟

□ بله، می‌توانند اعمال نفوذ کنند، چون کشورهای پیشرفته در مذاکرات

عضویت این سازمان درآیند، زیرا قوانین بین‌المللی تجارت امروزه در داخل سازمان جهانی تجارت در حال شکل گرفتن است.

حمایت‌های قانونی در امر تجارت از داخل این سازمان اعمال می‌شود و اختلاف تجاری بین کشورها از سوی مراجعی که در سازمان جهانی تجارت است، رسیدگی می‌شود، در نتیجه عضویت در این سازمان به نفع تمامی کشورها است.

■ اگر مقررات مربوط به کار به مجموعه مقررات و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت اضافه شود، بر جریان رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه چه اثری خواهد داشت؟

□ سازمان جهانی تجارت مسایل نیروی کار را به چه صورتی به درون خود وارد می‌کند.

ممکن است بگویند هیچ کشوری حق ندارد از نیروی کار کمتر از ۱۸ سال استفاده کند و یا هیچ کشوری حق ندارد کارگران را از داشتن اتحادیه محروم کند. چنین مقرراتی باعث می‌شود، اکثر کشورهای در حال توسعه در وهله اول خلاف نمایندند، برای آنکه هنوز در کشورشان اعمال چنین مقرراتی وجود ندارد.

اعمال این‌گونه مقررات و قوانین کار به نظر من سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه را در بدو امر با رکود مواجه می‌سازد و باعث کاهش آن می‌شود.

البته در سازمان جهانی تجارت، نحوه تصمیم‌گیری به صورت جمعی است و کلیه کشورها باید با یک تصمیم موافق باشند، بنابراین تصویب چنین قوانین کاری در آینده نزدیک در درون سازمان جهانی تجارت بعید به نظر می‌رسد.

«اینکه ما با چه نیروی کاری به تولید یک کالا می‌پردازیم، به سازمان جهانی تجارت و کشورهای پیشرفته مربوط نیست و سازمان مذکور فقط باید مقررات تجارت کالا را تعیین کند و مقررات نیروی کار را سازمان جهانی کار "ILO" باید تعیین کند.»

کشورهای در حال توسعه تصور می‌کنند که از بحث‌های این‌چنین کشورهای پیشرفته می‌خواهند به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای استفاده کنند.

تصور می‌کنم طرح و وارد کردن موضوعاتی چون نیروی کار، مسایل محیط زیست و... در سازمان جهانی تجارت به نفع کشورهای در حال توسعه نیست و موضع کشورهای در حال توسعه نیز این است که چنین مواردی ربطی به تجارت ندارد.

■ به نظر شما آیا فرآیند تجارت ضرورت عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت را نشان می‌دهد؟

□ هیچ کشوری را نمی‌توان به زور مجبور به عضویت در سازمان جهانی تجارت کرد، معمولاً این قضیه برعکس است و کشورهای در حال توسعه برای ورود به این سازمان سال‌ها وقت صرف می‌کنند و تعهدات زیادی را قبول می‌کنند.

اما فرآیند جهانی شدن اقتصاد خودبه‌خود سبب می‌شود که کشورهای علاقه‌مند به تجارت در سطح جهان، انگیزه عضویت در سازمان جهانی تجارت را پیدا کنند، زیرا تجارت جهانی در این سازمان شکل می‌گیرد. امروزه تجارت در داخل سازمان جهانی تجارت در حال شکل گرفتن است، بنابراین معقول است که کشورهای در حال توسعه به این سازمان بپیوندند و در شکل‌گیری تعهدات تجاری برای حفظ منافعشان، دخیل شوند.

به نظر من کشوری وجود ندارد که نخواهد عضو سازمان جهانی تجارت شود. تمامی کشورها تمایل دارند که به

کارشناسان خیره‌تری نسبت به کشورهای در حال توسعه دارند و در نتیجه بهتر می‌توانند حرف خود را به کرسی بنشانند و مقاصد خود را پیش برانند.

■ به نظر شما وارد کردن مقوله‌های جدید مانند نیروی کار و حقوق کارگران در موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت تا چه حد به زیان کشورهای در حال توسعه است؟

□ کشورهای در حال توسعه فکر می‌کنند ورود این موضوع به سازمان جهانی تجارت به نفعشان نیست، اما تجربه نشان می‌دهد، امروز وضع مالی کارگران امریکا خیلی خوب است. کارگران این کشور که از ابتدا وضعشان مطلوب نبوده، با گذشت زمان به این‌جا رسیده‌اند.

کشورهای در حال توسعه هنوز برای رسیدن به وضعیت کشورهای پیشرفته راه درازی را در پیش دارند.

مواردی چون حقوق کارگری و... که امروز در امریکا جا افتاده است، هنوز برای کشورهای در حال توسعه مباحثی زود هنگام است.

کشورهای در حال توسعه هنوز پختگی و رشد لازم را ندارند که بتوانند مانند کشورهای پیشرفته به عواملی چون حقوق کارگری، محترم شمردن مالکیت معنوی و... دست یابند.

برای مثال اگر در هند و یا پاکستان بچه‌ها به کار گرفته نشوند، آنها به دنبال تحصیل نمی‌روند، بلکه فقط بی‌کار می‌شوند و به کارهای غیرقانونی روی می‌آورند و در نتیجه پدران و مادران آنها نیز گرسنه‌تر می‌شوند. این امر که بچه‌ها باید به مدرسه بروند در شماری از کشورهای در حال توسعه هنوز یک پدیده «لوکس» به حساب می‌آید.

این موضوع که کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه تکلیف کنند که نمی‌توانند بچه‌های خود را به کار گمارند، حرف زور است و کشورهای در حال توسعه به هیچ‌وجه زیر بار زور نمی‌روند و همواره به کشورهای پیشرفته می‌گویند: